

میراث فکری، سیاسی خمینی

در سالگرد مرگ خمینی بار دیگر در میان حکومتیان و نیروهای اسلامی سخن از میراث خمینی سلا گرفت. از پس از دوم خرداد، تحولات فکری، سیاسی ایجاد شده در بخشی از تحلیل گران و سیاستمداران درون و پیرامون حکومت، این بحث و پرسش را برانگیخت که اصلاحات و تغییرات تا کجا قابل پذیرش است و تا کجا می توان به میراث سیاسی - فکری آیت الله خمینی به عنوان بنان گذار جمهوری اسلامی نزدیک شد. انتخابی که آنان کردند و پاسخی که به آن پرسش داده شد عملای سرتوشت آن حرکت و جنبش را رقم زد و شکست آن را محظی ساخت. اگر در آن زمان این پرسش، پرسشی واقعی و برای تعیین راه آینده از سوی اصلاح طلبان اسلامی بود، اکنون دیگر این بحث موضوعی مربوط به گذشته است و در توجیه انتخابهای صورت گرفته انجام می گیرد و این که به نیروهای درون حکومت نشان داده شود که حفظ نظام در گرو و دفاع یک پارچه از تمامیت میراث خمینی است و این امر با حیات و ممات نظام جمهوری اسلامی گره خورد است.

از جمله اظهار نظرهایی که در این باره صورت گرفت از سوی محمد خاتمی رئیس جمهور بود که به تجلیل از میراث خمینی پرداخت و آن را نجات دهنده جمهوری اسلامی دانست. این اما سخن درست است که نظام جمهوری اسلامی و میراث خمینی از هم تفکیک ناپذیرند.

اما بیشتر میراث فکری - سیاسی خمینی چیست؟

- در درجه نخست وی بنانگذار جمهوری اسلامی است که «عمود خیمه»، اش و لایت فیچه است. ولایت فقیه در هم امیزی دین و دولت است در عربستان ترین شکل آن.

- میراث خمینی برقراری حکومت الله و قوانین دینی متعلق به هزار و چند صد سال پیش است بر مردم و جامعه‌ای که در پایانه قرن بیست و آغاز قرن پیش و یک زیست می‌کنند و فکر و نهادهای عرفی خود را شکل داده‌اند و خرد انسانی را پایه‌ای قابل اتکا برای تدوین قوانین و روای اداره چانعه می‌دانند.

- میراث خمینی خوارشتردن انسان و اراده و خرد انسان ایرانی و بزرگترین توهین به وی است که گویا برای اداره خود و جامعه نیاز به قیم و الایانی دارد که با اتکا به فقد، امور جامعه را اداره کنند.

- میراث خمینی تقدس خشونت است و گسترش خشونت مقدس. کشتن و ستن و زدن و بد کشیدن به نام خدا در راه خدا.

- میراث خمینی نقی هرگونه دگراندیشی و دگرباشی چه در عرصه حیات سیاسی و چه در عرصه حیات اجتماعی و زندگی خصوصی است.

- میراث خمینی نقض همه جانبه و بد رسمیت نشناختن حقوق جهان شمول بشر است.

- میراث خمینی شکستن بسیاری از حریم خصوصی زندگی انسان هاست.

- میراث خینی ایجاد یک هیرارشی در نظام اجتماعی، قانونی و سیاسی است که تعین کننده جایگاه و حقوق هر فرد است. در این نظام هیرارشیک: مرد برتر از زن، دین دار برتر از بی دین، مسلمان برتر از غیر مسلمان، شیعه برتر از سایر مسلمانان، عصم برتر از غیر عصم، پدر برتر از فرزندان، واپستانگان به حکومت و خودی ها و ملایان، برتر از غیر خودی ها - و پایین ترین رده از نظر حقوقی در نظام کاستی اسلامی میراث خینی، زن نافرمان غیر مذہبی غیر سنتی است.

- میراث خینی خدیت با خنده و شادمانی و رنگ شاد و موسیقی و هنر و فرهیختگی است و تقدیس ندبه و عزاداری و سیاپوشی و غم.
- میراث خینی نفرت از فرهنگ و تمدن معاصر بشري و از جمله تمدن غرب است و گسترش خدیت و کین با هر آنچه برای میراث دارانش بیگانه است و غیر خودی.
- میراث خینی اتکا حکومت به منافع لجام‌گیخته ترین اشاره غارتگر و سرمایه‌دار نوکیسه و انگلی و دلال صنعت است.
- امشب

آری این سخن درستی است که میراث خمینی و جمهوری اسلامی در هم تبیده‌اند. یک پدیده‌اند، پدیده‌ای خوشبختانه میراود در لبه گور.

که گویا قلشی دچار ناراحتی شده را در درون امسولاتس می‌گذارند. این چندمین نفر است که در این مدت کوتاه حضور در محل کارخانه حالش به و خامت گذاشته است. انگار دیگر گوش شنوا و چشم بینایی در این سوی وطن باقی نمانده است و قلم ناتوان. چای دوربین‌های گران‌نماییت معاهره‌ای خیرگزاریهای تاق و جفت چهان خالی است. در این لحظه یکی از کارگران با فریاد گفت: در این مدت بحران چندین ساله آن شبکه‌های متعدد سراسری و اسنایر کجایند که هیچ‌گونه خبری از این همه انسان و خانواده‌ها یشان که در حال مرگ تدریجی‌اند تپه و پخش نمی‌کنند و هیچ روزنامه و خبرگزاری ای خبری موتش از ما منتشر نکرده و نمی‌کند و خطاب به من می‌گوید: آیا در ایران تنها شاید که خبر تپههای می‌کنید آیا ما ارزش نداریم. دیگر هوا کاملاً تاریک شده است که کارگر دیگری می‌خواهد سر صحبت را با من باز کند که به اتفاق وی و دیگر کارگران به سمت اتفاق نگهبانی که دارای روشنایی است، می‌روم.

خود را رج Buckley با قرپور معروف به باخلان معرفی می‌کند ادامه در صفحه ۴

جنگ حضور فعال داشتم، از ۲۲/۰۸ به دلیل احراق حقوق پاییمال شده چندین سالام دست به اعتراض غذا زددم. اکنون در وضعیت بسیار بد جسمی بسر می‌برم در این‌دادی اعتراض غذا به همه مراکز مستول اعلام کردایم. حتی خواسته‌های ابتدایی مان را که استقرار پژوهشکار و امسولاتس و حداقل خدمات بهداشتی و مراقبتی پژوهشکار بود، عملی نکردند. هیچ‌گسستی نیامده تا به درد دلمان کوش ددد! از نظر اینجانب که در جهه برای اسلام خدمت کرده و پسیجی ام ثابت شده که هیچ کدام از مسئولان ارزشی برای اینجانب و امثال اینجانب قایل نبوده و نیستند! به این نتیجه رسیدام که به گفته امام راحل اینان همه ناصلان و نامحرمان این اتفاق‌بند و به گفته رهبر معظم نامردانی به انتقلاب هستند.

در همین هنگام از نمازخانه خیر اوردنگ کارگری که چند لحظه پیش حرفاپیش را ناتمام گذاشته بود (محمدرضا رمضانی) حاش بشدت و خیم شده است. به سوی نمازخانه می‌روم. آمبولاتس فوریت‌های پژوهشکار به علت نزدیکی پیاسستان امام تا محل کارخانه هم از راه رسید. کارگر مذکور را

مردم را دچار احسان نامنی می کند گفت که اطلاعیه اتحادیه تولیدکنندگان بر اساس دستور العمل اداره اماکن نیروی انتظامی صادر شده است و از نیروی انتظامی انتظار دارد که با این طرح بدلیل عدم هماهنگی با شورا مقابله کند و اینکه هیچ طرح اجتماعی در جامعه بدون ارزیابی در شورا قابلیت اجرایی ندارد.

این در حالیست که معاونت نظارت بر اداره اماکن مطرخ می کند که کارشناسی طرح جمع اوری مانتوهای کوتاه به عهده و به درخواست خود اتحادیه بوده است و هر گونه حمله به فروشگاههای زنان را تکذیب کرد، اما این پار که فشار دامنگیر فروشندهایان و تولیدکنندگان پوشک زنانه شد، تاجاییکه رئیس اتحادیه پیراهن دوزان از دری دیگر به میدان آمد و با طرح اینکه مقرر اصلی تولیدکننده نیست مقرر مصروف رفته است و اینکه پوشیدن این لباسها در زیر چادر اشکال ندارد، با برگرداندن لبه تیز حمله به سوی زنان و دختران چیزی نداشت، صفت پیراهن دوزان را از شریه و خسارت بیشتر رهاند.

به نظر می آید که تمام این مسئولین با اصل مسئله که مقابله با بد لباسی و بد حجابی جوانان است، مشکلی ندارند بلکه فقط نگران جایگاه قانونی و اختلاف نظر در رابطه با چگونگی پرخورد هستند، غافل از اینکه این جنبش آرام و پیوسته را سر باز استادن نیست و با قطع امید از همه مسئولین رسمی در راه عصيان عمومی گام برخی دارد.

پرداخت اجاره هم اکنون در ابار باشگاه خواهان کارخانه بسر می گیرند.
گذشته و آینده تبره و تارمان را چه کسی پاسخگوست در سال خدمت، مسئولان کمر به خدمت چه کسانی پسته اند که ما از آن سر در نمی آوریم محمدرضا رمضانی کارگر دیگری است که در دلش را می گذاید: ۲۷ سال ساقده کار در چیت سازی بهشهر را دارم. سالهای است که کارخانه تعطیل است و حقوق مان را پرداخت نکردند. اکنون فاقد مسکن هستم و در خانه سازمانی بدون هیچ گونه امکانات اولیه رفاهی زندگی می کنم. ۶ سر عایله دارم. یکی از فرزندانم که در سال سوم رشته علوم سیاسی در تهران تحصیل می کرد به علت عجز از پرداختن هزینه های تحصیلی مجبور به انصراف شده است. از ۲۷/۰۸/۲۰۱۴ برای رسیدن به حق و حقوق غذا زدای و تا دست به اعتضاب غذا زدایم و تا به خواسته هایم نرسیم دست از اعتضاب غذا نخواهم کشید. حتی اگر در این راه کشته شوم. تا این لحظه مسئولان هیچ نوع عکس العملی در قبال اعتضاب غذای مانشان ندادند. حرفاهاش را نیمه تمام می گذارد و می رود.
یکی دیگر از کارگران که خود را کاظمی معرفی می کند، می گوید: جانیاز ۲۵ درصد هستم، با ۳۰ درصد از کارافتادگی، مدت ۲۳ سال ساقده کار در چیت سازی بهشهر را دارم. خودم وزن و سه فرزندم در یک خانه سازمانی فاقد امکانات اولیه زندگی بسر می برم. ۲۴ ماه ساقده خدمت در چجه ها را دارم. با شروع جنگ (سال ۰۹) بطور مستاوب در

به ایران در مورد حضور اعضای
القاعدۀ در ایران، تذکر رهبران
کشور صنعتی به ایران در رابطه
با برنامه‌های انسی ایران و نامه
۱۲۷ تن از نمایندگان مجلس به
ولی فقیه، می‌تواند مبنی این امر
باشد که اقدامات مزبور در تلاش
برای انحراف توجه از موارد فوق
صورت گرفته است.

عکس العمل مستولیون

- پس از حمله به فروشنده‌گان،
هفت تن از نمایندگان زن مجلس
به مسوی لاری در رابطه با
حمله به فروشگاههای لباس زنان
تذکر دادند.

- هیچگونه عکس العمل
رسمی از سوی تشکلهای غیر
دولتی زنان مشاهده نشد. قرار
گرفتن زنان وابسته به
خانواده‌های روحانیون حکومتی
در راس این تشکلهای عملی
موجب انفعال انها شده است.

- در پی تشکیل جلساتی در
سطح استانداری و شورای تامین
استان برای بررسی چگونگی
برخورد به پدیده بدجایی،
ابراهیم رضایی ببابادی معاون
سیاسی امنیتی استانداری گفت
که اقدامات انجام شده برای
حلوگیری از تولید و یا عدم
فروش برخی از البسه و مانتوها
بدون شناسنگی با استانداری
تهران انجام شده است، اجرای هر
این نامه و قانون که در پرگیرنده
تبعات اجتماعی و فرهنگی باشد
باید قبل از اجراء در شورای تامین
استاندار تهران مورد بررسی
قرار گیرد.

- اشرف بسرو جزوی دبیر
شورای اجتماعی کشور با تکیه
به این که رساندای شدن این گونه
طرحها و چنین برخورد دهایی

سالم بود برای دفاع از اسلام و
وطن پا به جبهه گذاردم و حال
این سرای من و زن و پچه هایم
است. (گریه امانتش را می برد،
نمی تواند جیزی بر زبان بیاورد)
دقایقی می گذرد. نمی دانم چه
کنم حال خودم را تیز نمی فهمم.
سکوت هد حارا فرا گرفته است.
کارگران با آخرین رمق هایشان
گوش خوابانده اند و درونشان پر
از غوغایست. هوا در حال تاریک
شدن است.

افزایش فشار بر جوانان وزنان

بار دیگر در آغاز فصل گرما
طبق سنت سالانه در جمهوری
اسلامی فشار به جوانان و به
خصوص دختران جوان و زنان
نژاش پیدا کرده است. اداره
سماک نیروهای انتظامی با صدور
خشنامهای خطا به
غازداران و بوتیکداران آسان
از فروش کالاهای مانند
ساتنات‌های رنگ روشن و تنگ و
لینکلهای آفتابی و همچنین
لینکلهای شب بر حذر داشت، و
ربی آن نیروهای انتظامی و
باس شخصی با حضور در سطح
رخی مناطق شهر تهران با
رخود با زنان و دختران که
بساهایی با رنگ روشن و
باستانی به تن داشتند و حمله به
مندین مغازه فروش لباس‌های
نانه، شدیدتر و وسیعتر از
مالهای گذشته به مقابله با مسله
دھجانی پرداختند.
پیگیری جوانان و زنان در
سینه به خواسته‌های بر حق
نویش و کوشش بر به رسمیت
نامنون ارزش‌های فردی و
ویت انسانی خویش با توسل به
سیوههای گوناگون در مقابل
نوع تحصیلات و نتوانانی های
ناجاییت مافیایی - اسلامی در
اسلحه‌گردی به نیازهای اقتصادی
- اجتماعی - فرهنگی جوانان و
زنان بیانگر زمینه یک
ویارویی گریزناپذیر بین زنان
وجوانان از یک سو و حاکمیت از
سوی دیگر است.
نهایی به روند افزایش فشار و بستر
نواد و شوابط جاری در جامعه در هفته
ای آخری:
در دو هفته گذشته استقاد
سواری جدید شهر تهران از
بلکه در فرهنگ‌سازها با استفاده از
الاتی چون رقص خانه و اینکه

برگرفته از نشریه اعتماد - صادق دادمهر

بعضی ها از شدت ضعف بدنهاشان شکارا عین لرزد بعضی دیگر در حاشیه نوئی باعجه و سطح محوطه ورودی اصلی نشسته و سر بر زانو گذارداند حتی نای صحبت هم برایشان نفاده است.

بعضی ها از شدت ضعف بدنهاشان شکارا عین لرزد بعضی دیگر در حاشیه نوئی باعجه و سطح محوطه ورودی اصلی نشسته و سر بر زانو گذارداند حتی نای صحبت هم برایشان نفاده است.

سراپیمه به سویی می دوند. اعصاب و روانشان بشدت بهم ریخته است. مانندام چه پرسش که کاغذ و قلم را یارای تصویر آن لحظات در دنک نیست. تی چند از کارگران گردم حلقه زدند. کمی انظرفت تکارکری با فریاد می گوید: اگر خواسته همان عملی شد که شد، اگر نشد سوت کارخانه را مستد به صدا درخواهیم آورد. دیگران هم گفته های کارگر مذکور را تایید می کنند.

یکی از چند کارگری که دورم ایستاده اند خود را ایستچنین معرفی می کند علی طهماسبی هستم، ۷ سال سابقه کار دارم. چنانیاز ۱۰ درصد هستم با خدمت داوطلبانه سربازی و پیشی ۳۰ ماه در جبهه های باری حفظ ناموس و آب و خاکساز جنگیدم. از تاریخ ۲۲/۲/۸۲ در این کارگران ۱۰ درصد هستم با خدمت احراق حقوق پایمال شده مان دست به اعتساب غذا زدند اما تا این لحظه هیچ مسئول و مرجع قانونی که دم از مردم مسالاری می زند و می گویند مساعدالت علی را پایاده می کنیم و پیرو راه ائمه اطهار هستیم هیچ خبری از ما نگرفته و نمی گیرند! بنده دو فرزند دارم و مستاجر هستم. نمی دانم برای زن و بچه هام طی این یک هفته که در حال اعتساب غذا بسر می برم چه وضعی پیش آمده و حال و روزشان چگونه است (در اینجا بیخشش بشدت می ترد و اشکش جاری می شود تمام پنهنه صورت را اشک فرا می گیرد) با گریه می گوید: پازنده

دورش حلقه دوار نشسته اند، است. در چین صحبت یکی از کارگران اعصابی با صورت بد رنگ گنج و کف بر لب از عشق درونش فریاد برمی اورد: دیگر طاقتی برای همان نماند، حرف، حرف، حرف.

آخه چقدر باید حرف هایی را که هیچ عملی تاکنون پشت آن نبوده است بشنویم، کارگری آن طرف ترا او را به خویشتنداری و صبر و ارامش دعوت می کند. اما اوقات نمی شود و با فریاد ادامه می دهد: این یک هفته است. اینجا عملابا اعتساب غذا دست به خودکشی زده ایم از خانه و خانواده ایمان هیچگونه خبری نداریم. نمی دانیم چه پیش زن و فرزندانمان امده و می اید. آیا ما از فلسطینی و عراقی هم کمتریم یک نفر تاکنون نیاده بگوید در دنیا چیست، کارگران دیگر هم حرف های این کارگر را فریادگونه تاکید و تکرار می کنند. کارگر معترض به وضع پیش آمده، از فرط ضعف از پشت به زمین می افتد و از حال می روید. چند نفری او را بر سر دست بلند کرده و به سمت در اصلی کارخانه می بیند تا به بیمارستان برداشان.

لحظه بین نمی گذرد که کارگر دیگری حالش دگرگون می شود. چند نفر دیگر که خود نیز چندان حال مساعدی نداشتند او را بر روی دست به طرف در اصلی برداند تا به بیمارستان انتقالش دهند. دیگر جمع نشته کارگران به هم ریخته است. هر کدام

مهمنترین مسایل و مشکلات جامعه کارگری در سالی که گذشت

محمد فراهانی (عضو سابق هیئت مدیره سندیکای کارگران خیاط)

د نقل از آوای کار

در وزارت خانه‌ها و تحت نظر قدرت حاکم دارد.
آیا در ک این موضوع مشکل بود که برای تشکیل سندیکاهای مستقل بایستی به سندیکاهایی که تشکل آنها به صورت غیرقانونی تعطیل شده و از دیدگاه حقوق کار، سندیکای جهانی و مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار، هم‌اکنون هم نمایندگان واقعی کارگران مستند، روی آورده و یا یک فراخوان زمینه را برای حرکت آنها جهت ایجاد سندیکاهای مستقل فراهم کرد. متأسفانه مشارکتی‌ها نه تنها به رهبران سندیکایی با تجربه، توجهی نداشتند بلکه با ایجاد یک تشکل دولتی ساخته و معرفی آن در وزارت کار به نمایندگان سازمان جهانی کار، ابروی خود و جناح دمکرات حاکم را در مجتمع بین‌المللی هزینه کردند و حتی به حیثیت ملی و شعور اجتماعی مدیران جامعه مازم مبتل آزادی خواهان جهانی کار، ابروی خود و مقابل کارگران سندیکایی با تلاش فراوان و بدون کوچکترین حسایتی موفق شدند در بسیاری زمینه‌ها فرهنگ تشکل یابی و سازماندهی نیروی کار را فراهم کنند. تلاش کارگران سندیکایی برای ترویج سندیکا از مصالحه‌های گوناگون با مجلات مستقل شروع شد و با ایجاد روابط با اینه صفت به اینه ایجاد روابط با اینه مختلط کارگری روحیه اتحادیهای در صنعت آرام آرام دمیده شد، هماهنگی و تداوم اعتراضات کارگران صنایع نساجی نسبت به انهدام این صفت و تلاش کارگران چیز ری برای حفظ کارخانه و ادامه تولید آن، حیات همه‌جانبه و به موضع کارگران نساجی‌های کشور از ادامه استغال و جلوگیری از فروش این صنایع که باعث به صورت فاجعه‌وار و به شن بخس در حراجی خانگی به دندان تیز رانت خواران سپرده شده بود، کاری بود عظیم که با مضمون و حمایت اتحادیه‌ای انجام گرفت. از اعتراضات خیابانی گرفته تا طرح شکایت در مجتمع حقوقی و قضایی در صنعت نساجی نشان داده شد که کارگران صالح ملی را بیشتر از مدیران می‌فهمند. کارگران نساجی طی طوماری از مجلس شورای اسلامی خواستند که با تصویب قانونی راه و زمینه را برای تشکیل تشکل‌های صنعتی مستقل بازکنند ولی پاسخی جز طعن و توهین مدعیان دمکراسی و تشکل‌های متنگی به قدرت نگرفتند. تصویب این نامه ماده ۱۹۱ قانون کار و محدود کردن استیازات کارگران یکی از جلوه‌های دمکراتیکی حفاظه کار در زمینه مسائل کارگری بود. یعنی توجهی به حقوق اکار، یعنی توجهی به اعتراضات کارگرانی که ماهده حقوق نگرفته بودند و در کوچه و خیابان‌ها و مقابل مجلس تجمع داشتند و عدم برگزاری حقیقی نشست حایاتی یا هم‌بازاری کوچک به جای خود محدود کردن حقوق اجتماعی کار و حقوق کشی آشکار از طرف نمایندگان کارفرما و دولت و نمایندگان قدرت ساخته، استبداد شکار دمکرات‌های !! ما را عیان کرد.

در هم شکسته کرد. اقتصاد مبتنی بر نظام جنگل توانست تراستها و کارتل های بزرگ را بزرگ تر، سرمایه های خود را تابع و نیروی کار را از لحظه معیشتی به شدت گرفتار کند. خطای استراتژیک سرمایه جهانی این بود که نسی توانست آسیبی را که از تغیر شدن اکثریت مردم، به خود سرمایه پرمی گردد را بشناسد. وقتی قدرت های بزرگ مالی با شرپیده تولید مدرن، نیروی کار را بیکار و عرضه آن را بیش از تقاضا دیدند، قیمت خرد نیروی کار را کاهش و قوانین حمایت از نیروی کار را تغییر دادند، اکثریت جامعه را دچار فقر کردند، و در واقع مشتری های کالاهای تولید شده صنایع خود را از دست دادند. وقتی اکثریت جامعه فقیر شده و قدرت خرد و مصرف ندارد انساشت سرمایه و به تعیین آن بانک ها دچار بحران می شوند و الزاماً برای پیدا شدن بازار های جدید دسیسه ها رشد می کند و جنگ ها در می گیرد. این خطای اقتصادی از مجریان بزرگی چون ریگان و تاچر شروع شد و متناسبه مدیریت جامعه مانع برگم این که شکست این استراتژی خود را کامل نشان داده، در حال اجرای آن است. بیکاری، عدم تنوع در تولید، نبرداختن یارانه به بخش تولید و عدم حمایت هوشیارانه از ادامه تولید و مصرف در جامعه، نبود کنترل کیفیت و قیمت به صورت علیمی و ایجاد متناسبه از طرف مدیریت جامعه و از همه مهم تر، نبود تشكیل های مستقل مدنی مانند احزاب و تشکل های کارگری که می توانند نظارت مستقیم و مستقل مردمی را بر تضمیم های کلان اجتماعی داشته و مانع کزاندیشی و کمزگری طراحی های ضد مردمی باشند، عمق فاجعه را پیشتر و پیشتر کرد.

یکی از شعار های پرسته افکاری خاتمی پس از تشكیل چهه دوم خرداد، شعار جامعه مدنی بود. در توضیح جامعه مدنی، ایشان نهاد های مدنی و تشکل های مستقل مردمی را نشاند جامعه مدنی معرفی کردند. انتشار به حق طبقه کارگر ایران از سرمه داران جبهه دوم خرداد، به رسیت شناختن تشکل سندیکایی و تشویق کارگران به ایجاد سندیکا ها و اتحادیه های مستقل بود. ولی متناسبه در این زمینه حتی جبهه مشارکت رفتاری محافظه کارانه در پیش گرفت. پرخی نشیره های دوم خردادی از جمله نوروز آرام آرام طرح تشكیلات مستقل را مطرح کردند و پس از آن به معرفی انجمن های صنعتی مستقل که تکیه بر وزارت کار داشتند پرداختند. پیشتر وقت بخش اقتصادی - کارگری روزنامه نوروز به کلنجار رفتن با شوراهای موجود و تشکلی صرف شد که واپسگی آن به یکی از احزاب جبهه دوم خرداد روشن بود. سؤال این است که بخش دمکرات جامعه ما در حاکمیت، وقتی اذعان دارد که سندیکا ها و اتحادیه های مستقل از سندیکا های مستقل می توانند رابطه قدرت و نیروی کار را فراهم کنند، چرا باز سعی در ایجاد تشکلی دست ساز

عده‌ترین مسائل کارگری در سال
بیکاری و کم‌کاری در بخش صنوف و
در هم ریختگی در بخش صنعت بود، بحران
تولید در کشور ما از ضعف مدیریتی و خطای
استراتژیکی مدیران بانک جهانی رنج می‌برد.
رونق مضاعف صنعت ما و یوزگی نگاه حجردای،
دکان داری و نگاه دلال مابانه اکثریت صاحبان
قدرت نسبت به صنعت و تولید است. بعد از این
که بانک جهانی دستور داد صنایع به بخش
خصوصی واگذار شوند و مدیران ما، اطاعت
کرده و به اجرآگذارشند، اهمیت مسئله، چگونگی
واگذاری و به کدام بخش خصوصی، بود.
واقعیت این است که عده‌ترین سرمایه را بعد
از انتقال دلایل واردکنندگان کالا و
راتن خوارانی نصب خود کردند که به عنوانین
مخالف هم در قیمت گذاری خارج از کنترل، هم
در کیفیت و کمیت کالاهای وارداتی و همچنین
پرداخت هرگونه عوارض خارج از چهارچوب
قانون، اغلب فوق قانون عمل کرده و می‌کنند.
اینان عده‌ترین رقم نقینگی بخش خصوصی از آن
ایشان است، تجاری که به سود بسیار بالا و
بدون ریسک و با تضمین و تکیه به قدرت
عادت داشتند، پا به میدان خرید کارخانه‌ها
گذاشته و با استفاده از حامیان پاشود خود در
قدرت، کارخانه‌ها را بدست اورده با گرو
گذاشتند آن‌ها نزد بانک‌ها به تقاضی‌گی خویش
افروزند. کالاهای مشابه تولید همین کارخانه‌ها
را از خارج وارد کرده و از این طریق مشکلات
گسترده‌ای در راه تولید و برای طبقه کارگر
ایران و سرانجام پیاسکردن اقتصاد کشور به
وجود آورند. حضور نمایندگان سرمایه‌داری
دلال در قدرت، افق دید مدیران صنعتی و
اقتصادی کشور را، تا حدی یک دکان دار و تاجر
بازاری تنزل داده و مایه و پایه در هم ریختگی و
انهدام تولید در کشور شد.

خصوصی‌سازی ای که تاثی از اراده قدرت
حاکم برای حرکت در مسیر تابعیت از دستورات
بانک جهانی یا چهانی شدن اقتصاد بود، با
توجه به بی‌پرسنی و عدم شناخت مستولین
امور اقتصادی از اصل موضوع و تلاش
سرمایه‌های کلان وابسته به قدرت برای
غصب دستاوردهای صنعتی و نابودکردن آن‌ها،
که راه برای طرف قرارداد خود، یعنی
تولیدکنندگان اروپایی و آمریکایی باز می‌کرد،
نتیجه و حاصلی جز خردشدن صنایع و بیکار
شد کارکنان آن‌ها در پی نداشت. اخراج‌ها،
باز خرید کردن‌ها و نپرداختن حقوق‌ها همان
سرمایر را طی می‌کرد که اربابان سرمایه جهانی
و امپریالیست‌ها در عرصه خطای استراتژیک
خود طی کرده بودند.

اقتصاد ازاد و مبتنی بر تجارت و رقابت
بازار با حذف سوبیدها و حمایت‌ها، اقلیتی از
جامعه را که سرمایه نیرومندتر داشتند در
موقعیت بالاتری قرارداده و اکثریت جامعه را به
مشایع ایزرا و سیله کسب سود قوی ترها، خرد و

1112, 1113

سرویس مانع

نویسندگانی که این نویسندگان را در مقاله خود از
نوسازی تشكیل‌های کارگری است

به گفته رئیس دانا، تلاش در جهت نجات تشكل های کارگری موجود از قید ایدنولوژی و قدرت حاکم به شرطی که گرفتار منافع تقلیل گرایانه صنفی و اقتصادی نشوند نوعی مصیبچون مسکن بهداشت و... را تامین کنند.

تحول و تغیر محسوب می شود. رئیس دانا در گفتگو با خبرنگار شبکه صفت ایران گفت،
تشکل های کارگری اساسا به شکل کلاسیک در ایران شکل نگرفته است. بد گفته وی استقلال
تشکل های کارگری منهن ترین و غیرقابل انکارترین خصیصه هر تشكیلات است که
متاسفانه تشکل های موجود کارگری کمتر از آن به مردم هستند.
رئیس دانا در قسمت دیگری از سخنان خود گفت، مستقل شدن تشکل های کارگری مهم ترین حرکت این تشكیلات در جهت نوسازی و ایجاد تحولات است.

نهادگران چهل کارخانه نساجی تحت پوشیه بیکاری فرار دارند.
به گفته، مجیدزادگان مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی تنها کارگران ۴۰ کارخانه ساجی که با حربن موآجده اند تحت پوشش پیمه نزدیکی دارند. این در حالی است که صدها کارخانه ساجی در نقاط مختلف کشور از چند سال پیش شروع شده اند. گوناگون دچار پیحران گردیده و نزدیکان نفر از کارگران و کارکنان آن ها بدوں هیچ گونه حمایت و کمکی به حال خود رها گردیده اند که کارگران چیتسازی به شهر یک نسوته آن

مشکل اساسی صنعت نساجی

این پرسش مطرح است که آنچه بر صفت نساجی ما امد سرنشیتی محظوظ بود؟ یا می توانست به گونه ای دیگر رقم بخورد؟ چرا صفت نساجی به اینجا رسید؟ تصمیم های نایاب، محاسبات غلط یا روش های نادرست کجاها بود؟ پاسخ و نظرات متفاوتی به این سوالات اداد می شود. در اینجا به طور خیلی مختصر یک دیدگاه کارشناسی و از زاویه ای خاص، ارایه می گردد.

نگار آمدی مدیریت هاست.
سید احمد نجفیانی پژوهشگر و کارشناس مسائل اقتصادی می‌گوید: اصلی ترین مشکل صنعت نساجی کشور باید از جانب تقاضا در اقتصاد، مدنظر قرار گیرد. کمتر کسی به این نکته توجه دارد که تقاضا برای کالاهای تولیدی صنعت نساجی، دچار بحران اساسی است.
ایشان گفتند سیاری از صاحب‌نظران، مشکلات اساسی این صنعت را ناشی از کمته بودن فناوری، مدیریت ناکارآمد، حمایت مستمر دولت و وجود کالای فاچاق می‌دانند. ولی باید به این نکته نیز توجه داشته باشند! اماar دقیق شناختن این است که تحولات اساسی در ساختار مصرف خانواردها رخ داده است. اگر همچوپن برشک خانوارها جایگزین شوند،

اطلاعیه کمیسیون کارگوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از مبارزات حق طلبانه کارگران چیت سازی به شهر حمایت می کنیم

عدم رسیدگی دولت به خواست‌ها و مشکلات کارگران را

تقویح و محاکوم می‌کنیم

سپارزه کارگان کارخانه چیتسازی بهشهر که از دو سال پیش با نامه‌نویسی به مقامات دولتی شروع نمودند به خاطر بی‌تجهی و سلب مسئولیت مقامات دولتی در ماه گذشته با تظاهرات خیابانی کارگران و شرکت قریب به ۲۵ هزار نفر از مردم عادی شهر بهشهر که در هیبت‌گی با کارگران به تظاهرات آن‌ها پیوسته بودند به اوح خود رسید. در اثر سرسرخی مقامات دولتی و محلی در پایان کارگران از تاریخ ۲۲ فوریه دین تاکنون اعتراض کارگران به شکل مخفی و اعتضاب غذای عده‌ای از کارگران هم‌چنان داده یافته است.

لبق اخبار و گزارشاتی که در روزهای اخیر منتشر گردید وضعیت مزاجی عده‌ای از کارگران که اعتضاب غذا کردند آن‌چنان وحیم است که مجبور شدند آنها را به بیمارستان منتقل کنند. بنابراین گزارشی که در روز جمعه ۱۶ خرداد در اخبار روز انتشار یافته است به نقل از یکی از فعالین سندیکایی گفته شده است این اعتضاب هم‌چنان ادامه دارد و کارگران مصمم هستند که مقاومت کنند. امکنون به گفته این فعال سندیکایی فرماندار قصد دارد به هر شکلی مقاومت کارگران را درهم بشکند. رخورد فرماندار و مقامات محلی با اعتضابیون از آغاز تاکنون خصمانه و تهدید آمیز بوده است و اگر امکنون به خشونت زیاد متوجه شدندند آن‌ها از پیامدهای ناگوار سروکوب و مستگی شدید کارگران و همدردی گسترده مردم شهر با اعتضابیون بوده است.

برداخت حقوق معوقه دو سال گذشته، تعیین تکلیف و راداندازی مجدد کارخانه و بازگشت کارگران لاتکلیف به سر کار از مهم ترین خواسته‌های کارگران چیتسازی بهشهر می‌باشد.

بلکت اصلی بروز مشکلات در کارخانه چیتسازی بهشهر و هزاران کارخانه دیگر که از مدت‌ها پیش یک بحران فی‌اگیر تبدیل شده و تاکنون دولت توانسته و یا نخواسته است که اقدامی جدی برای حل آن به عمل اورد، سیاست‌های اقتصادی دولت است. در نتیجه اجرای این سیاست است که کارخانه‌های صنفی و تولیدی دچار ورشکستگی می‌شوند و کارگران و کارکنان آن‌ها بدون پرهمندی پیشه‌یکاری و سیاست‌های اجتماعی حیاتی به طور غیرمستلزم‌اندای به حال خود رها می‌شوند و پیویشی از یکاران که اینک تعدادشان بالغ بر ۵ میلیون نفر می‌گردد به صورت ارتش گرسنگان و یکاران در کشور به وجود می‌آید. بدون شک ادامه این سیاست دامنه بحران‌های موجود را مسترده تر کرده و اعتراضات گسترده‌تر را در پی خواهد داشت. یکی دیگر از نتایج مخرب این سیاست بدھی خارجی ۴۳ میلیارد دلار است که پرداخت بهره سالانه آن اقتصاد ناتوان کشور را توان تر خواهد کرد.

کمکی از مهم ترین خواسته‌های کارگران بخصوص کارگران یکار شده در طول سال‌های گذشته این داد است که در زمان یکاری به مانند کارگران بسیاری از کشورهای دیگر تحت پوشش بیمه کارکاری و سیesse‌های اجتماعی قرار گیرند. اما دولت تاکنون از تحت پوشش قرار دادن اکثربت قریب به فاق یکار شدگان خودداری کرده است.

نق تلقی طلبانه کارگران چیت سازی پیشہ ور و اعلام همیستگی با انان بی توجهی، و سلب مسئولیت مقامات دولتی و محلی به خواسته ها و شکایت و عدم رسیدگی به آن ها را تبیخ و محکوم می کند. ماخته ایان ن هستیم که کلیه کارگران بیکار تا ایجاد کار و بازگشت به سر کار تحت پوشش بیمه بیکاری و محتسابی قرار گیرند. دولتی که قادر به حل مشکلات مردم نیست بهتر آن است که کار بروز تا مردم ولت دلخواه خود را روی کار آورند.

اطلاعیه کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفیق هوشمند زرین کلک جهان را بدرود گفت

کمال تاسف اطلاع پیدا کرده‌یم که رفیق هوشنگ زرین‌کلک، کارگر هزمند و خیاط، عضو سابق مدیره سندیکای کارگران خیاط تهران در شهر قزوین چهان را بدرود گفت.

رفیق هوشنگ را عده زیادی از کارگران صنوف پخصوص کارگرانی که به مرکز سندیکایی لاله‌زار ایران رفت و امد داشتند حسنه باشد از دارند، زیرا هوشنگ در اجتماعات و گردهم‌آیی‌های کارگران در اوان انقلاب و پس از انقلاب که در محل پنج سندیکایی معروف در مرکز سندیکایی لاله‌زار تهران شرکیل می‌گردید شعرهایی را که یا خود سروده بود و یا سرودهای شاعران خلقی و کارگری بود با شاعران ارام و زیباشی پرای کارگران می‌خواند و همگی را به شور و وجود می‌آورد. هوشنگ هرایش را برای کارگران می‌خواند درست و یا نادرست تقدیم بود که شعرهایش برای دیگران قابل درک نیست. رفیق هوشنگ از هم‌زمان رفیق بندی سئول تشکیلات صنوف تهران سازمان و از اعضای سازمان ما بود. پس از دستگیری و اعدام رفیق دی، هوشنگ به خاطر صمیمت و نزدیکی فراوانی که با بنده داشت دچار افسردگی روی شد و افسرده‌گی تا پایان عمر او راهراهی کرد. صداقت و سلامگی و صمیمت هوشنگ زبان‌زد عام و اص بود.

سیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکریت)، درگذشت رفیق هوشنگ زرین‌کلک را به نژاده او و فعالین سندیکایی و کارگری تسلیت می‌گوید. هوشنگ گرچه اینک از میان ما است ولی سرودها و اوای دلنشیں او هنچنان گرمی پخش اجتماعات و محافل کارگری خواهد یادش گرامی باد.

مخالفت سران خانه کارگر با انتطاق قانون کار ایران با کنوانسیون‌های ILO

به دنبال توافق وزارت کار و نماینده ILO
یی بر اصلاح تبصره ۹ ماده ۱۱۳ قانون کار و
لباق این تبصره با کتوانسیون های سازمان
المللی کار مربوط به حقوق سنتی کایی،
ان خانه کارگر، مخالفت خود را باین توافق و
صلاح قانون کار اعلام کردند. مسحوب در
کشی به این توافق گفت، هیچ فرد و یا
ارت خانه ای نمی تواند اصول قانون اساسی
که مک شمار. طبق، گفته اشان: ماده ۱۲۱

محاجبه بخش فارسی

صدای آلمان با

شیرین عبادی در مورد

بخشنامه همنویعت پوشش

مانتو کوتاه و نگی

۵ مینیمخت مدبلاج: خانم عبادی، نیروی انتظامی با استاد به کدام جیوگ قانونی پوشیدن مانتو کوتاه و رنگی را منع کرده است؟

● عبادی: آنچه در این بخشنامه به آن استاد شده این منع مصوبه سالیا ۶۵ و ۶۸ مجلس و هیات دولت است که پوشیدن لباسهای جلد و زشت و خلاف عرف ایرانی را منع اعلام کرده و نه پیش از این. اما مسئله مورد بحث اینجاست که منعیت فروش مانتوهای تنگ و کوتاه عملی است کاملاً تعجب برانگیز. زیرا لباس تا وقتی بر تن کسی نرفته باشد، مصدق تنگ و چیزی و کوتاه عینت پیدا نکند. به عبارت دیگر مانتویی که در بیک فروشگاه دیده می شود ممکن است براي خانمی با وزن ۷۰ کیلو تنگ باشد و براي خانمی با وزن ۴۰ کیلو خیلی کم گشاد باشد. ولایسی براي کسی کوتاه و براي دیگری بلند باشد. به این قرار باید پرسید نیروی انتظامی با چه ضابطه اعلام کرده که فروش مانتو تنگ و کوتاه منوع است؟ تا این لباس ها به تن افاد رفته باشد، اصطلاح تنگ و کوتاه عینت ندارد. اینجا لازم است بگویم مدی که جوانان ایرانی علاوه نکند به پیروی از آن هستند، شلوار و مانتو بالای زانو است. یعنی آن چیزی که در بخشنامه کوتاه توصیف می شود، لباس بالای زانوست نه چیزی خیلی کوتاه یعنی میانی. اینجا اینجور چیزها زیاد هم مذکور است!

۵ در خبرها آمده که از روز دنی و دخترانی که به زعم مسولان مبلغ به چین مانتویی هستند، به برخی رستوران ها و هتل ها جلوگیری می کنند. آیا محروم گردند شهروندان و بطlower شخص خانمها از روز دیده اماکن عمومی منشاء قانونی دارند؟

● چین عملی مخالف حقوق شهروندی است و طبعاً محل قانونی هم ندارد. من مجدد تکرار می کنم آنچه به عنوان مانتوی کوتاه از آن یاد می شود مانتوی بالا زانوست که یعنی از یک پلوز گشاد مردانه که از روز دنی و دخترانی که به زعم

اعنکاسی که حالا در ذهن شاعران و دوستان از خانواده ایشان خود را می خواهد و مطلع باشند و باید به این پرسش پاسخ بدهند.

○ حالت این جاست که آخرین کاری که در فرائسه در

حال انجام است، این است که کسر شعر را از می بیند و سکونی را به این کتاب معاصر و قدرتمند می داشته اند و این اتفاق افتاده اند. احسان ناوارتی

چیزی نیست که برخلاف اخلاق حسنه و یا نظم عمومی در ایران باشد. این بخشنامه به طور کلی در ایران مورد اعتراض سیاری مردم قرار گرفت و اظهار ناراضیتی ها م در روزنامه ها به خوبی قابل مشاهده است. همچنین مجلس از نیروی انتظامی در این مورد سوال کرد. یعنی اعتراض خود را بیان داشته و ضمناً وزارت کشور هم مخالفت خود را با آن ایاز داشته است.

○ شما بعنوان یک حقوقدان اطلاع دارید ابلاغیه مریوط به عدم کار خانمها در باغ های یا نکار با اساس جه ماده قانونی بوده است؟

● من اطلاع دقیق در حقوقی علملک و رویه این تصمیم ندارم. فقط می دانم که اینکار هم محل قانونی ندارد و کاری است که در صورت انجام گرفتن، کاملاً خلاف قانون خواهد بود.

○ به نظر شما در شایسته حساس گشته شده حقوق بشر است و یا یک افرادی که به این راحتی حقوق شهروندی را زیر پا می گذارند متوجه این نکته مهم بشوند که اولین وظیفه هر حکومت حفظ حقوق و کرامت انسانی شهر و ندان خود است.

شاغل در رادیو و تلویزیون افغانستان و قرقی استودیو را بدون حجاب ترک می کنند، مورد عتاب و خطاب افراد ناشناس قرار می گیرند. می گیرند: نه این ها و نگاههای تند و تیز عابرین دیگر برآش علی السویه است. «من هنرپیشه هستم، چونکه صورتم را پیشواشنم؟» بازگشت این اولین هنرمند بود که اگر ان تمام شد است. این اتفاقات را تایید می کند. چهارده شاخه گل پلاستیکی تهی اشایی است که روحی به اطاق نیمه تاریک می دهد. از ضبط صوت روسک که روی میز خود نهادی می کند، صدایی برنسی خیرد، خط برق استودیوی موسیقی که بد دستور طالبان قطع شده بود، هنوز تعییر نشده است.

بنچ کلوله تئف برای بازی در یک فیلم آیا کار زیاد مانند شده که بر قرائات کابل اند، سوزانه اند است. شش سال در پیشاور یزندگی می کرد و در عروسی های پاکستانی ها او از می خواهد. این که نمی دانم که این می باشد. این اتفاقاً پیش من هم مانند و صفت و قوی است و باعث شدن و خودش شعر

آن گذشتید؟ گزارش هایی می رسک که زنان

بنچ کلوله تئف برای بازی در یک فیلم

آیا کار زیاد مانند شده که بر قرائات

کابل اند، سوزانه اند است. شش سال در پیشاور

یزندگی می کرد و در عروسی های پاکستانی ها

او از می خواهد. این که نمی دانم که این می باشد. این اتفاقاً پیش من هم مانند و

قوی است و باعث شدن و خودش شعر

آن گذشتید؟ گزارش هایی می رسک که زنان

گفتگویی با پوران فخرزاد

گفتگو: امیرحسین فلاخ

این گورستان از حدود پانزده سال پیش

تاکنون مساله پیدا کرد؛ چرا که تبدیل شده به

«خانه خصوصی»!!! در هیچ کجا دنیا در

گورستان را نمی زنند تاکسی از پشت در

بگویید: کیه؟! بعد را باز نکند و بگویید فقط شب

جمعه یایید. و اگر دو تا اسکناس هزار تومانی در

نشانی بدهی در باز شود!!

دلیل: یکی این که من اصلاً فروغ را آنچا پیدا

نمی کنم. به هیچ وجه در هیچ گورستانی هیچ

مردمداری را پیدا نمی کنم. اساس می کنم سر

یک گورستان بزرگ است و همه عزیزانم در

آنچا آرمیداند. دیگر این که از حرکاتی که آنچا

می بینم، رنچ می کشم؛ چرا که به نظرم یک نوع

کاسی می آید.

دلیل: یکی این که به آنچا نمی بروم. به دو

من چند سال است که به آنچا نمی بروم. به دو

نی کنم. به هیچ وجه در هیچ گورستانی هیچ

مردمداری را پیدا نمی کنم. اساس می کنم سر

یک گورستان بزرگ است و همه عزیزانم در

آنچا آرمیداند. دیگر این که از حرکاتی که آنچا

می بینم، رنچ می کشم؛ چرا که به نظرم یک نوع

کاسی می آید.

● عبادی: آنچه در این بخشنامه به آن استاد

شده این منع مصوبه سالیا ۶۵ و ۶۸ مجلس و

هیات دولت است که پوشیدن لباسهای جلد و

بگویند: یک سود بزرگ دارد، از بازیگر کنندگان بیکار

پوشیدن این عرض اینجا ترتیب باشد، خانمی نیاشد که

بوی آبگوشت از آن بیاید و چند نفر دور آدم را

پوشیدند و دایم بگویند، پول آب نداریم، پول

برق نداریم! این چه کنم؟ چرا که به نظرم یک نوع

فرهنگی است که ظهیر الدوله را، هم سیرا

فرهنگی است که متواند اداره کند و هم شهرداری

می تواند اداره کند، می تواند حتی براي این که

بگویید: همه این خواسته های بزرگی را بگویند

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

آنچه اینجا اینجا می کند، بگویند: همه این خواسته های

«مبارزه ضد جنگ و غیاب مردم»

سیامک - ش

نژدیکی و سمپاتی بیشتر به این یا آن سناریو بازی می‌کند.
در پایان مقاله می‌نویسد: «... ما در این جنگ صرف نظر از انگردها و ارزشها مانند همه ملل دیبا بدون آنکه قادر به جلوگیری از آن باشیم، باید در نتیجه‌مندی آن آندیشه کنیم»، و برای تائید نظر خود بد و اکتش مردم ایران که در تظاهرات خد جنگ شرکت نکرده‌اند، اشاره دارد و می‌نویسد: «بنابراین مستلزم مرکزی از دید ایرانیان شرده‌ی جنگ در کوتاه‌مدت و برق آسا بودن آن است و یا طولانی بودن و نیز رفتار پرنده‌گان جنگ در منطقه نسبت مستقیم دارد». بنظر حیدریان در صورت خاتمه سریع داستان صدام و اجرای بخشی از وعده‌های ظفر مندان جنگ که به سیار محتمل است.
در این صورت جنگ از نظر نتیجه‌مندی از تلاش ایرانیان چهره‌ای عادلانه، پیروزمند، تجدد خواه و رهایی‌بخش خواهد یافت که یکی از بی‌رحم ترین دشمنان ایران معاصر یعنی رژیم ضد بشري صدام را به گور سپرده است. بنی پیروزی بدون شک هم از نظر نتیجه‌مندی و هم ارزشی از بزرگترین دستاوردهای تاریخ معاصر ایران خواهد بود... بنابراین پیامد مشت جنگ در ایران و برای ایرانیان بسیار ملوس و عینی تر از دستاوردهای آن برای افکار عمومی غرب است. اداده در صفحه ۹

این روزها بحث در پاره چکوگنی نگرشن مردم ایران نسبت به حضور امریکا در منطقه و در این راستا اختیال حمله ایالات متحده به ایران موضوع داغ میان محافل گوناگون آپوزیسیون است. و در این مورد نگرش ها و مواضع گوناگونی وجود دارد. این که مردم خواهان حمله امریکا به ایران هستند یانه، البته به علت عدم وجود داده های مستند همچون نظر سنجی عمومی و غیره البته هنوز امری غیرعلی است. اما این امر مانع از آن نیست که انسان تواند از طریق روایط متوجه خود (همچون تماس با داخل، نوع سیاست رایج احزاب گروه ها و محافل گوناگون، نوع نگرش امریکا بد روانشناسی مردم ایران و غیره) به نتایجی چند (هر چند غیردقیق) نرسد. آنانی که به سیاست اشتغال دارند خوب می دانند که سیاست (بویژه احزاب) نه بر مبنای آمارگیری های متدالوی جهت تبیین افکار عمومی، بلکه از طریق تجربه و حضور روزمره در میان مردم تعیین می شود و می شود نوع روانشناسی مردم را با این حضور مستقیم درک کرد و خط مشی آینده را پی ریخته و یا نوع رویدادها را تا حدود زیادی پیش بینی نمود. و از این رهگذر کاملاً می توان به این نتیجه رسید که ملت ایران اگرنه به طور قاطع اما در خود حامل یک جریان نیرومند گرایش به حضور و تداخل امریکا در ایران است. البته می توان به این مسئله یک پرسخورد ارزشی نمود و به آن همچون یک گرافیش منفی یا مثبت در روند مبارزاتی نگریست. اما به نظر من قبل از این ها باید به طور ریشه ای علت این گراشی را درک نمود. و تا درک نشود نمی توان به تدوین یک سیاست درست به آن پرداخت و بازار شاید چپ دویاره به دام یک سری کلی گویی های هیومنیستی و انتقامی یافتند که عمل نتش چندانی در روند رویدادها ایفا نکند. واضح است که علت نشixin و اصلی این گراشی شکست روند مبارزات داخلی جهت بنیاد یک سیستم دمکراتیک و عادلانه در کشور است. شعف جنیش توبدای و آپوزیسیون، و توان رژیمجمهوری اسلامی در رشکوب داخلی، جامعه را بعد از سال های علیرغم جان فشنی ها و مبارزات خستگی تا پذیر به شرایطی پر از یاس پرتاب کرده و علیرغم نارضایتی شدید مردم و بحران های حاد اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، رژیم هم چنان پارچاست و حتی در سال های اخیر یکسری قدرت مانور از خود بروز داده که این قدرت مانور در دازمدت این یاس را شدت بخشیده است.

ضعف داخلی به شیوه ای طبیعی بعد از فراز و نشب خایی چند، سرانجام نگاهدار را متوجه ابعاد دیگر قضیه می کند و خود بخود عنصر خارجی (بویژه این که این عنصر حضور فعالی داشته باشد) در امر تغییر تقویت می شود.

امر تغییر از طریق یک نیروی خارجی یک پسیده تازه نیست. تاریخ در این مورد نمونه های مهمی دارد. اما اکنون این پسیده می رود که بنا بر پیشرفت تکنولوژی جنگ ابعاد گستردتری پیاده شاید که هترین نمونه در این رابطه حمله اعراب به ایران پاشده که بنا بر سخن مورخان نارضایتی شدید داخلی از سلسله ساسانیان باعث عدم وجود یک مقاومت جدی شد و این پیروزی اعراب را آساتر ساخت.

واقع گرایی و دورشدن از ذهنیت ضد امپریالیستی و اسلامی، دلایلی دیگر نیز دارد، نتایج درستی نمی‌گیرد.
از جمله اینکه گذاش مردم به راه حل‌های نسبات بخش، از یک سو دلیل روشی بر فرسودگی نیروی رزمندگی جامعه است و از سوی دیگر بازتابی از پس اعتنای آنان به نیروهای اپوزیسیون و بیان یک داوری تلخ، اما واقع بینانه در اینکه ما را دیگر بد خیر این اپوزیسیون امیدی نیست. مردم از اپوزیسیون انتظار همگرایی برای سرنگونی حکومت اسلامی و پیروز و وضعیت خود را دارند.
دوم اینکه به فرض از دست رفتن استقلال ایران از سوی امریکا، آیا دست‌بافتن به حاکمیت ملی در کدام شرایط آسان تر است؟ در شرایط اشغال نظامی یا تداوم حکومت اسلامی؟ این پرسش را باید با صراحت در برابر مردم گذاشت و به آن پاسخ‌های روش داد.
محسن خیدریان:
جنگ آمریکا علیه صدام سرشت عادلانه دارد!
ایشان در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ ایران را خواهد لرزاند»،^۱ که در آغاز جنگ نوشته شده است، جنگ را بطور فشرده با یک مدل عقلایی توضیح می‌دهد و از نظریه دوگانه نتیجه مندی و ارزشی حرکت می‌کند و در پاسخ به پیامدهای

خروفت نقد چدی

- درخواست ما، رفیق مسئول هیات سیاسی -

اجرايی داده است. اصلاح برایمان قانون کشته و منطقی نیست. توجه دارید که هیات سیاسی اجرایی سازمان مادر خصوص انتخابات شوراهای شهر و روستا موضع را اتخاذ کرده است. سپس بعد از عدم شرکت مردم در انتخابات، این ارگان در ۱۲ استفتاد موضع جدیدی، اتخاذ کنند که بسیار متفاوت با موضع پیش از انتخابات شوراهای شهر و روستا می‌باشد. در بیانیه ۱۲ استفتاد مخواهی: «... عدم استقبال مردم از انتخابات شوراهای در تهران و دیگر شهرهای بزرگ و پاسخ منفی آنان به نمایندگان جریان اصلاح طلب، چه ساهیت اعتراضی داشته باشد، چه ناشی از بیاس و سرخوردگی بوده باشد، در این واقعیت تغیری نمی‌دهد که مردم به سیاست‌های ارایه شده از سوی اصلاح طلبان و جنبه دوم خردداد دیگر اعتمادی ندارند و این سیاست‌ها و برنامه‌ها را رد می‌کنند. مردم ایران در روز جمعه تمدن استفتاد ماد، به ادامه پروژه اصلاح طلبان حکومتی رای منفی دادند. این رای منفی به همه جناح‌های دوم خردداد و نیز نیروهای اصلاح طلبی در پیرون از حکومت بود، که سوییه در ساههای اخیر سرنوشت خود را کاملاً با سرنوشت اصلاح طلبان حکومتی گره زده بودند: نتایج انتخابات نشان داد از نظر مردم تقاضا چندان میان سیاست این نیروها و سیاست اصلاح طلبان حکومتی وجود ندارد. انتخابات نهم استفتاد نشان داد ایران به سیاست‌های تازه و نیروهای تازه دارد...».

خطبه فراموش نکنیم که سازمان ما از نیروهای دمکرات و مستقل دعوت به ثبت نام چهت کاندیدشن و سپس در اعلامیه دیگری، دعوت به شرکت در انتخابات شوراهای شهر و روستا کرد. هر چند که در اعلامیه ۳۰ بهمن ۱۳۸۱ س. اجرایی مردم ایران در دعوت کرد که تنها به کاندیدهای مستقل از هر دو جناح حکومتی که به داشتن موضع دموکراتیک و اصلاح طلبانه شناخته شدند، رای دهند. ولی متساقته روابط عمومی سازمان به همین حد از شرکت در انتخابات بسته نکرد و سیاست فراتر در چهت رای دادن به کاندیدهای به همراه چند جریان سیاسی دیگر اتخاذ کرد که در چارچوب اعلامیه ۳۰ بهمن ۱۳۸۱، هیئت سیاسی - اجرایی نیو به است.

ما بر این ارزیابی هستیم اگر هیئت سیاسی - اجرایی به بیانیه ۱۲ استفتاد خود استفاده از خطا و موضع اولویت‌های را می‌باشد. علیاً به خطا و موضع اولویت‌های سیاسی خود پردازد و موضع اولویت‌های دیگر را برای عدم اتخاذ سیاست انتقادی طرح نکند. ما بر این باوریم، هم چنان که دعوت به شرکت در انتخابات شوراهای شهر و روستا با جسارت توسط هیات سیاسی اجرایی انجام گرفته است. با دیدن نتایج انتخابات با همان جسارت و صداقت می‌باشد که نند موضع اتخاذ شده پردازد. سکوت و ندانستن اقدام پیروزی و علیه در این خصوص، به روابط سازمان با دیگر سازمان‌ها و احزاب ازادی خواه و دمکرات چپ و ملی اسیب می‌رساند. لذا مایه عنوان اضعای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از هیات سرديبری نشریه «کار» می‌خواهیم که به جای توضیح فوق و نیز دو نامه ما در نشریه کار مباردت کنند تا بلکه از این طریق اعضا و هواداران سازمان در جریان موضع ما قرار گیرند. با تکریه: غفران و علیه صدد ۲۰۰۳ هـ ۱۷

بسیار و آرزوی موقوفیت روز افزون برای شما؛ می‌خواستیم از طریق این نامه به عرضستان برسانیم که مدتی قبل مادون نامه خطاب به هیات سیاسی اجرایی و شورای مرکزی سازمان انتخابات شوراهای شهر و روستا، نوشتم و بدین طریق نسبت به سیاست شرکت در انتخابات شوراهای انتخابات شوراهای شهر و روستا و نتایج حاصل از آن، هیات سیاسی اجرایی سازمان انتخابات شوراهای انتخابات شوراهای شهر و روستا موضع جدیدی را اتخاذ کرد که در واقع با موضع این ارگان تا قبل از انتخابات شوراهای شهر و روستا متفاوت بود. هیات سیاسی اجرایی در بیانیه تحت عنوان «در مورد انتخابات دومین دوره شوراهای از تاریخ دوازدهم استفتاد ۱۳۸۱، اعلام می‌کند که نتایج انتخابات از معنا و اهمیت سیاسی سیاست پرخوردار بوده و عموم نیروهای سیاسی کشور را به ارزیابی همه جانبی از شرایط و موضع متخذشان فرامی‌خواند».

لازم به تأکید است که با دیدن موضع جدید هیات سیاسی اجرایی سازمان در خصوص انتخابات شوراهای شهر و روستا بسیار خرسند شدم و تا تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۲ در انتظار پرخورده انتقادی و صادقانه نسبت به موضع اتخاذشده، باقی ماندیم ولی متساقته هیچ پرخورده بیرونی و انتقادی و علیه از طرف ارگان مذکور صورت نگرفت. این امر، ما را واداشت که محدود نامه دیگری را خطاب به مستول هیات سیاسی اجرایی سازمان بنویسیم و از ایشان تقاضای جواب مشخص و منطقی پنکتم و نیز در این نامه اعلام کردیم که چنان‌چه جواب قانون‌کننده‌ای دریافت نکنیم، نامه‌های خود را علیه خواهیم کرد. رفق مسئول هیات سیاسی - اجرایی جواب کوتاهی در این خصوص برای ما ارسال کرد که ما با اجازه رفق، پخش اعلان جواب ایشان به نامه‌مان را علیه می‌کنم. ایشان متذکر شدند که «جلد پانزده پاتالکی که از طرف د. س. اجرایی برقگزار شد به این نتیجه رسید که مباحث پیرامون موضع خاصیت خود را تقریباً با طور همه جانبی از ادامه پایاب و در خاتمه ارزیابی حاصله به تشکیلات رانده شود. در حمن جلسه پاتالکی کی در اتاق سازمان در اینترنت در زمانی برقگزار شد که حمله آمریکا به عراق اتفاق افتاد، با تأکید و توافق بر سر این که اولویت‌های دیگری وجود دارند. هیات سیاسی - اجرایی را موظف به تهیه متنی در پاره انتخابات و انتشار آن نکرد. این توافق نیز بود که نتیجه ارزیابی، هر موقع حاصل شد. انکه ایشان پیروزی پیدا کند. لازم به افزودن است که برای تداوم مباحث پیرامون موضع پس از جلسه پاتالکی مذکور، دیگر توسط هیات سیاسی - اجرایی و شخصاً نگارند، اقدامی صورت نگرفته است. ارزیابی شخصی من این است که با توجه به تصویب پرگزاری کنگره فوق العاده در خلال چند ماه آتی، و در نتیجه کار سینکم تدارکات این کنگره، کار ارزیابی از موضع متخذ در قبال انتخابات شوراهای به همین کار تدارک سیاسی کنگره اتصال پایاب و موضع احتسابی کنگره در این باره، به متابه ارزیابی سازمان انعکاس پیروزی پایاب. ایندوارم پاسخ کاملان را داده باشم».

ما با خواندن پاسخ مستول هیات سیاسی - اجرایی به این ارزیابی رسیدیم که می‌باشد دو نامه قبلی، خود را علیه کنی. زیرا جوابی که

امپراتوری جهانی و چپ‌های ایرانی

ادامه از صفحه ۱۱
ستگیری های اصلی سیاست ملی ایرانی در
کدام راستاها مردم در امتداد این تجربه و
آگاهی خود، دوستی با آمریکا را یگانه راه
نحوت خود از شرایط موجود می دانند!
ابرایان تجربه کردند که نتیجه مبارزه ضد
امپریالیستی در ایران، نه بد سود زندگی بهتر یا
استقلال واقعی که بد سود برآمد حاکمیت
خود کامه آخرین بوده است. مردم با تجربه
خود بیش از محاصره شالگونی می فهمند و
چنین مبارزه ای برای استقلال ملی اکنون در
شرایط تداوم حکومت تپهکار قهقهه، موضوعیت
ندارد. براسی جرم مردم ما باید از استقلال یک
رژیم تپهکار دفاع کنند! پاسخ آقای شالگونی
به این پرسش شفاف چیست؟ مردم ایران به
سیاره ضدامپریالیستی مورد علاقه چه
انقلابی، کوچکترین جایگاهی در زندگی واقعی
خود نمی دهند!

این شناخت مردم ایران تنها عاطفه معکوس
نیست بلکه نتیجه ۲۴ سال سیاست
امریکاستیزی و فلسطینی محوری حکومت
اسلامی است؛ مردم ایران با بیوت و خون خود
درک کردند که: شعار مرگ بر آمریکا چیزی
نیوبد جز مرگ اقتصادی و زیستی خودشان. آنان
بطور روزمره شاهد پائین رفتن قدرت خرد
از مهارتی این افراد بودند که برای روشنگر - سیاسی
ارمنیگران ضد امریکایی قابل درک نیست!
به علاوه، آقای شالگونی از اندیشیدن در
اینکه آمریکایی گرایی مردم ایران، جدا از

چ در بحران دو شکست (انقلاب و فریباشی سوسایلیسم) پس می‌برد که از یک تحول بزرگ در غرب (انقلاب انفورماتیک و روند گلوبال) غافل ماند؛ بعدها جنبش ۲ خرداد از راه رسید؛ داشت آن را می‌شناخت و درگیر مباحث اصلاحات و یا انقلاب در ایران بود که حادث ۱۱ سپتامبر داد!

پس از این توجه، پیش در نشریات چه راه افتاده به جای تعمق و درگیری در سیاست خاورمیانه‌ای امریکا بیشتر خاطرات دارد. امیریاپلیستی دهد «۶۰ را تازه می‌شود که از یک این مباحث بدون نتیجه گیری مشخص رها عراق ملاهای ایران را سرنگون کنند...!» می‌شد. در اجلس‌های احزاب چه ایران تا آنجا که من اطلاع دارم مباحث دست و پا شکته‌ای در این خصوص صورت گرفت، بدون اینکه اهیت کلیدی ۱۱ سپتامبر شفاقت شود؛ که از نظر من بدون شناخت پدیده ۱۱ سپتامبر و استراتژی جدید خاورمیانه‌ای امریکا، تدوین سرنگونی طبلها و سلطنت طبل‌ها هم گزده داده‌اند. او می‌نویسد که: «... امریکا برای بخوردند و درهم ادامغ می‌شوند و برای اینکه ایشان مورد قبول واقع شود!» می‌شینی افای نگهدار شدت نگران تشکیل «انلاف وسیع» شده است و تا آنجا پیش این رود که بدون هیچ استدلالی، طرح کنندگان که یکی از بنیادگذاران آن آقای امیریاپلیستی می‌کند که در اجرای این روند، ایشان در مخالفت با چنگ چندین اطلاعیه و یا پایه در مخالفت با چنگ انتشار ایشان با عنوان «ایرانی نیروهای سیاسی ایران پیرامون تحولات ملتفه» رسنگون کنند. این ایشان در تحلیل نهایی هر مشکل سیاسی را بر عدم استثنای: ترجیح می‌دهند! این کانون هزمان با شروع جنگ تشکیل شد که یکی از بنیادگذاران آن آقای امیریاپلیستی می‌کند. ایشان در فاصله سه هفته چنگ چندین پاراگراف پایین را اصول پیشنهادی خود را نهی می‌کند. وقتی تهیه ملکیت ایران را مورد تحلیل نهایی، پیشنهادی طبل‌ها هم گزده داده‌اند. او می‌نویسد که: «... امریکا برای اینکار در تاریخ را بر افزایند... آنچه بوش را به حمله ترغیب می‌کند ذخیری نقشی و نقشه طولانی استراتژی جنگخواه امریکا برای جهان است... در حالی که آلسان و فرانسه مخفات درخشانی در خود گزند و مردم صلح دوست جهان را به تحسین برانگیختند. درود بر همه دولت‌ها و ملت‌هایی که جانب صلح را گرفتند و مردم خاورمیانه را تهیه کنند!»

ایشان در مخالفت با اینکه اینکه می‌گذرد و ادامه می‌دهد که همه جمهوریخواهان هم؛ اصلاح طلب خواهند شد و از دولت وحدت ملی صحبت به میان می‌آورند! (است) و پیش‌گویی می‌کند که فکر تعویض حکومت، محور مضمونی اتحاد و نیروهای تشکیل‌دهنده‌اش فرعی خواهد بود و برخلاف افغانستان، مخور چنین اتحادی رضا پهلوی است. قالداعش را با این جمله تمام می‌کند: «... آنگاه مسکن ایشان معدنی سرنگونی طبلی بکلی دگرگون شود و اقدام گازانبری راست سنتی و مدرن ۲۸ مرداد را بازاز هم تحت رهبری ایشان ایجاد خواهد که بطور شفاف متعارف می‌زند!»

پیامدهای آن یادداشتند!

چه ایران حداقل در دو سال بعد از ۱۱ سپتامبر نه تنها دیده گاه روشی از اوضاع جهان و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از استراتژی درستی داشته باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه‌ای با

ایرانی آزادی خواهد که بطور شفاف متعارف می‌زند!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران حداقل در دو سال بعد از ۱۱ سپتامبر نه تنها دیده گاه روشی از اوضاع جهان و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست

دنبارد و خواسته خاورمیانه باشد، همه راه از

عومنی خواسته باشد و مخالفت با چنگ چندین

دشمن یک استراتژی از چایانگاه که خاورمیانه!

در جایگاه نخست قرار داده به این چنگ و

هرحال مثل خلیل از حادث سیاسی از آن می‌گذرند!

چه ایران از همان ابتدا قبل از شروع جنگ آمریکا بر علیه دیده گاه روشی از اوضاع جهان

و منطقه نگردید، بلکه حتی نتوانست



به بهانه کنفرانس صلح عقبه

دیپلماسی کافی نیست، سیاستی دیگر باید!

محمود صالحی

شهرگ را که امکان تامین امنیت آن وجود ندارد را بر می‌چیند، عباس هم چند عضو حماس و یا جهاد را بازداشت می‌کند، آنها هم به بمبگذاری خود ادامه می‌دهند، برای دولت اسرائیل اقدام دولت فلسطین

<p>برای نمونه:</p> <ul style="list-style-type: none"> - غیر نظامی کردن جامعه - فلسطین از طریق جمع آوری اسلحه و مواد منفجره از یک سو و خلع سلاح نیروهای افراطی یهودی از سوی دیگر. 	<p>دبلوماسی کافی نیست سیاستی دیگر نیا بد!</p>	<p>بوش، شارون و عباس گویا امده بودند تا همان اشتباكات قرداد اسلو در سال</p>
--	---	---



که ما بدون قید و شرط آنرا
ذیرفته‌ایم به وجود آمده
است. هدف ما زندگی در
کنار اسرائیلیها و در دو کشور
ستقل در صلح است. ما
خواهان پایان اشغال اراضی
لسطينی که در سال ۱۹۶۷
غاز شد هستیم. در همین
حال ما رنج و ازار یهودیان
در دوران هیتلر را نیز
راموش نمی‌کنیم. ما
ماده‌ایم تا نقش خود را بازی
کنیم. من تکرار می‌کنم که راه
حل نظامی برای این مشکل
بوجود ندارد و مخالفت خود
با خشونت اعلام می‌کنم.

از آنچایی که تعداد
گردشگران به یک سوم
رسیده است صدها هتل و
رستوران مجبور به تعطیلی
شدند. از سوی دیگر میزان
بیکاری طی سال گذشته به
۱۱٪ رسیده است.

در «عقبه» چه گفتند؟
چهارشنبه هفته گذشته
جرج یوش، اریل شارون و
محمود عباس (ابومازن) در
کنفرانس صلح در شهر عقبه
و به میزانی ملک عبدالله
پادشاه اردن شرکت کردند.
جرج یوش نیز برسم

سپر دفاعی» نتوانستند به
هداف خود برسند.
بر اساس اعلام آژانس کار
امداد سازمان ملل برای
ناهندگان فلسطینی، اسرائیل
کنون ۱۲ هزار خانه متعلق
فلسطینیان را تخریب کرده
است، مردم فلسطین طی سه
ماه گذشته رنج‌های فراوانی
استحمل شدند، کودکان
لسطینی چهار آسیب‌های
وانی شده‌اند، میزان فقر
بدیرابر افزایش یافته است.
من آژانس خواستار یک
نمک اخستراری به میزان
۱۰ میلیون دلار برای ارائه

مقدمه: در اواخر سپتامبر سال ۲۰۰۰ انتقامه آغاز گردید. از آن زمان تا امروز هزاران فلسطینی و اسرائیلی کشته و مجروح شده‌اند. نیروهای افراطی فلسطینی نه تنها با عملیات انتشاری و بمبگذاری به مقصود خود که عقبتیشینی اسرائیل از مناطق اشغالی بود نرسیدند، بلکه آریل شارون افراطی به نخست وزیری رسید و مناطق خودگران نیز به اشغال دویاره درآمدند و تقریباً تمامی زیربنای اقتصادی



- در کتاب‌های درسی کودکان فلسطینی که از کمک‌های مالی اتحادیه اروپا تهیه شده‌اند نفرت علیه اسرائیلی‌ها تبلیغ می‌شود. با حذف آن می‌توان از پرسوه یاز تولید نفرت در نسل‌های آینده جلوگیری کرد.

- باید به تبلیغات هر روزه ضد فلسطینی و اسرائیلی در رسانه‌ها که حاصلی جز سmom کردن جو عمومی ندارد، پایان داد.

- اسرائیل باید یکبار برای همشه به سیاست یک‌بام و

دانستن ادامه دارد... هنوز شارون در راه بود که هزاران شهرکنشین یهودی در اعتراض به تصمیمات کنفرانس عقبه به خیابان‌های اورشلیم رسخند و مخالفت خود را نسبت به ایجاد کشور فلسطینی و پرچیدن شهرک‌ها اعلام داشتند. برخی از نمایندگان دست راستی مجلس اسرائیل در سخنرانی‌های خود گفتند که طرح «نقشه راه» تهدیدی علیه وجود کشور اسرائیل است.

دو روز پس از کنفرانس عقبه نماینده حماس نیز مذاکرات با محمود عباس را به دلیل امتیاز دادن زیاده از حد به اسرائیل پایان یافته اعلام کرد. روز یک شنبه گذشته طی اولین عملیات نظامی پس از کنفرانس عقبه که به یک پاسگاه اسرائیلی صورت پذیرفت ۴ سرباز اسرائیلی و ۳ فلسطینی مهاجم کشته‌اند. مستولیت این حمله را مشترکاً گروه‌های حماس، جهاد اسلامی و بریگادهای الاقصی بر عهده گرفتند.

به نظر می‌رسد این داستان ادامه دارد: اسرائیل، حتد سالمت‌آمیز و حاکمیت انانون به اهداف خود برسیم. اما همچنین تعهد می‌کنیم که ایاه رسیدن کمک‌های مالی به روریستها را مسدود کنیم. ما عهد می‌کنیم که با تحریک به خشونت مقابله کنیم. همه لرفها باید با خشونت نفرت و حریک به خشونت پایان هندن. نیروهای امنیتی ما درین زمینه کار خواهند کرد. لسلیستینی‌ها باید با عزت و تراحت زندگی کنند، آزادانه فت و آمد داشته باشند و مگر ان شغل و خانه‌های خود باشند». آریل شارون در مصاحبه طبوعاتی خود گفت: «مهمنترین وظیفه من، حفظ سنت اسرائیل است. ما می‌توانیم در مقابل خشونت تروریسم کوتاه پیامیم. صلح امنی تنها از طریق برقراری سنت و مبارزه با تروریسم مکانان بدیگر است. ما از دیدگاه نیس جمهوری امریکا برای شکلیل دولت مستقل لسلیستینی در کنار دولت اسرائیل حمایت می‌کنیم. این نفع اسرائیل است که گذارد فلسطینی‌ها بر خود حاکم می‌باشند. بک دولت

اسلاف طرح صلحی را بنام «Roadmap» (نقشه راه) برای برقراری صلح بین اسرائیل و فلسطینیان آرائه داد. جرج دبلیو بوش که برای نخستین بار پا به منطقه خاورمیانه می‌گذاشت، نسبت به تاسیس دولت مستقل فلسطینی متعهد شد. او گفت: «همانطور که من دیرباز در شرم الشیخ هم گفتم مسئله شهرکهای یهودی نشین باید حل شود و همینطور اهمیت اراضی متصل به هم برای تشکیل دولت فلسطینی باید درک شود. نخست وزیر اسرائیل هم این نکته را درک می‌کند که به نفع اسرائیل است که فلسطینیها بر خود حاکم باشند. آقای عباس هم درک می‌کند که ترویریسم مانع رسیدن به صلح و تاسیس دولت مستقل فلسطینی است. آقای عباس قول داده است که بدون قید و شرط برای پایان دادن به ترویریسم عمل کشد و نیروهای امنیتی فلسطینیها در این جهت اقدام کنند». محمود عباس نخست وزیر تشکیلات فلسطین گفت: «فرصت جدیدی برای صلح بر اساس طرح جدید صلح

بروز شیوه‌های سیاسی مبنی بر انجام رفرم قرار گرفت. او اخر ماه ژوئن سال گذشته تحت فشار دولت اسرائیل، ایالت مستحده نیز سیاست اش در قبال عرفات را تغییر داد. جرچ بوش در سخنرانی اش اعلام کرد، تنها در صورتی که فلسطینی‌ها «رهبری ضد تروریستی» انتخاب کنند ایالات متحده از تشکیل دولت فلسطینی حمایت خواهد کرد. بر همین مبنای هم بود که رفم‌هایی در ساختار تشکیلات فلسطین صورت گرفت و پست نخست وزیری ایجاد گردید که محمود عباس به این مقام انتخاب شد.

رویکردانی آمریکا از عرفات و سیمایتی به شارون به او این امکان را داد که در عملیات «سپر دفاعی» با «مشت آهنین» به سرکوب هرچه بیشتر فلسطینی‌ها پردازد. برای جدائی آنان از مناطق اسرائیلی اقدام به کشیدن دیوار بر قری بطول ۳۵۰ کیلومتر از منطقه معروف به نوار سبز تا کرانه باختری رود اردن شد.

اما افراطیون هر دو طرف چه با عملیات انتخابی و نسب گذاشی، و چه با عملیات